

جایگاه سیاق در تکوین معانی و تفسیر آیات

سید حسین کنعانی

چکیده

نقش‌آفرینی سیاق به عنوان مفهومی بنیادی در تکوین و تفسیر کلام، وابسته به حضور عامل مهم «وحدت مفهومی» است. این ویژگی زمینه‌ساز وحدت و التام در هنگام صدور مفاهیم متکثر برای انتقال به مخاطب است. همچنین برای تحقق وحدت مفهومی در سخن، وجود سه خصوصیت ساختاری «استقلال و تمامیت، اتصال مفاهیم، انتظام معانی» و سه شرط «وحدت غرض، وحدت موضوع و وحدت صدور» ضروری است. خصوصیات ساختاری و شروط مذکور از موضوعات مهم در بحث سیاق تلقی می‌شود که در این مقاله بدان پرداخته شده است.

مقدمه

آن توجه کرد:

سیاق در اصطلاح، مفهومی کلی، جامع و مانع است که اجزای سخن را به سوی مفاهیم مقصود و غرض صاحب سخن پیش می‌برد. این مفهوم به چگونگی تکوین کلام و ظهور نصوص مربوط می‌گردد؛ زیرا سیاق در تکوین بُعد مفهومی کلام و ظهور بُعد لفظی آن، عامل اساسی است. به همین سبب پیوند محکمی با تفسیر و فهم متون دارد. برای شناخت سیاق به عنوان یک مفهوم بنیادی در ساختار کلام، باید به دو بُعد مهم

اولاً بُعد مفهومی سیاق را «گزاره + غرض» تشکیل می‌دهد؛ مثلاً اگر یک سوره را به عنوان نص کامل ملاحظه کنید، سیاق سوره این گونه تعریف می‌شود: «دعوت مشرکان برای ایمان به (+ گزاره یا مفهوم) فقط الله به عنوان رب جهان شایسته پرستش است».

ثانیاً، ویژگی «وحدت» در سیاق سبب یکپارچگی تمام اجزای یک نص مانند استدلالها، قصص، تهدیدها و بشارتهای یک سوره بر محوریت سیاق و به منظور

تحقق آن می‌گردد.

بعد اول از نظر مفهومی، امکان تحقق دو ویژگی جامع بودن (فراگیری مفاهیم مرتبط با سیاق) و مانع بودن (خارج کردن مفاهیم غیرمرتبط با سیاق) را برای نص فراهم می‌کند و بُعد دوم، به واسطه نظم خاص، سبب یکپارچگی معانی و مفاهیم در سراسر کلام می‌گردد.

بررسی مباحث یاد شده، به‌ویژه برای پژوهش درباره کارایی آنها در تفسیر نصوص اهمیت دارد. بدین لحاظ، این نوشته به تحقیق درباره وحدت مفهومی، عوامل و شرایط تحقق آن اختصاص یافته است.

وحدت مفهومی

اساسی‌ترین ویژگی سیاق به‌عنوان مفهومی بنیادی و جوهری در هنگام تفکر برای ساخت کلام، وحدت و بسیط بودن آن است. این ویژگی سیاق، زمینه‌ساز وحدت و التئام در هنگام صدور مفاهیم و معانی متکثر برای انتقال به مخاطب است. اگر ویژگی وحدت سیاق نباشد، یکپارچگی و پیوند مفهومی معانی متعدد مندرج در یک نص محقق نمی‌گردد.

ویژگی وحدت سیاق باعث یکپارچگی مفاهیم متعدد در یک کلام می‌گردد و در

مرحله بعد، التئام معانی در یک سخن، سبب هماهنگی در الفاظ و جملات می‌شود.

بنابراین، وحدت مفهومی، یعنی یکپارچگی، التئام و تشابه^۱ مفهومی جاری و ساری در سراسر اجزای کلامی با سیاق واحد.

ویژگی وحدت مفهومی در نص، زمینه ظهور سه خصوصیت ساختاری در کلام

می‌شود. این خصوصیات عبارتند از:

الف - استقلال و تمامیت (جامع بودن)؛

ب - اتصال مفاهیم (مانع بودن)؛

ج - انتظام مفاهیم (منظم بودن)؛

از منظر دیگر می‌توان گفت برای تحقق

وحدت مفهومی در کلام، وجود سه

خصوصیت مذکور در ساختار کلام ضرورت

دارد. علاوه بر خصوصیات ساختاری، تحقق

وحدت مفهومی، به وجود سه شرط دیگر

نیز وابسته است. این شرایط عبارتند از:

الف - وحدت غرض

ب - وحدت موضوع

ج - وحدت صدور.

خصوصیات ساختاری و شرایط سه‌گانه

تحقق وحدت، از جمله موضوعات اساسی

۱- به‌نظر می‌رسد کاربرد واژه «تشابه» در مقابل «متانی» در قرآن ناظر به همین معناست.

در بحث سیاق تلقی می‌شود^۱؛ زیرا این عوامل امکان می‌دهد یک نص به صورت یک کل، کاملاً منسجم و هماهنگ ظهور یابد، به گونه‌ای که هریک از اجزای کلام، دلیل و شاهی بر جزء دیگر و درکنار بخشهای دیگر سخن مکمل آن باشد. از آنجا که هر یک از عوامل مذکور، نقش اساسی در تکوین کلام دارد، شناخت دقیق کیفیت کارایی آنها در تفسیر نصوص و فهم مقاصد کلام، اهمیت بنیادی می‌یابد.

وحدت مفهومی، با توجه به خصوصیات سه‌گانه ساختاری آن، دارای سه کارکرد مهم در تفسیر آیات قرآن است. انتظام مفاهیم در کلام، سبب‌گرایش ذهن به سوی مفاهیم مقصود مستکلم و انتزاع معانی از کلام می‌گردد. ویژگی جامعیت و تمامیت، علاوه بر فراگیری تمام اجزای کلام، از بروز تفکیک و تقطیع مفاهیم مرتبط به یکدیگر جلوگیری می‌نماید. از سوی دیگر، ویژگی اتصال، علاوه بر مفهوم سازی از التقاط معانی نامرتبط به مقاصد صاحب سخن، ممانعت می‌کند.

ویژگی وحدت مفهومی در سیاق، به همبستگی مفاهیم و امتزاج معانی منفرد در سراسر کلام و انتزاع مقاصد سیاق منجر می‌گردد. این ویژگی مفسر را به مراد الفاظ،

عبارات و آیات قرآنی رهنمون می‌کند و در ورای الفاظ و عبارات، معانی و مقاصد آیات را به صورت ظهور، دلالت، اقتضاء، اشعار، افاده و... در اختیار او قرار می‌دهد. با وجود اینکه مرحوم علامه طباطبایی تعریف صریحی از ویژگیهای وحدت سیاق ارائه نمی‌کند، ولی در تفسیر آیات مکرر به ماهیت، اتصال، نظم و ارتباط آنها با وحدت سیاق برای تبیین مقاصد آیات استناد می‌نماید.^۲

جایگاه اساسی ویژگی وحدت مفهومی در تفسیر آیات مبین این حقیقت است که چنانچه تفسیر آیات به تناقض بینجامد و در بین جملات و مفردات آیات تدافع پدید آید و به هر صورتی وحدت مفهومی در سیاق نقض گردد، این شیوه تفسیر مخدوش تلقی می‌شود.^۳

انتقاض وحدت مفهومی در سیاق، به‌عنوان عامل عمده رد نظریات تفسیری، به

۱- به همین دلیل هر یک از موضوعات شش‌گانه مذکور، در بخشهای بعد به صورت مشروح بررسی خواهد شد.

۲- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۳۹۰؛ ج ۳، ص ۳۸۶؛ ج ۱۸، ص ۴۲۸؛ ج ۳، ص ۳۴۴؛ ج ۱۷، ص ۲۸۰.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۳۱ و ۳۴؛ ج ۲، ص ۱۷۹.

سه شیوه کلی انجام می‌گیرد: «تفکیک و تفصیل معانی»؛ «التقاط و تداخل مفاهیم» و «اختلال در نظم»^۱.

الف - تفکیک و تفصیل معانی^۲ مندرج در ذیل یک سیاق، نقض وحدت مفهومی سیاق است؛ زیرا الحاق معانی و مقاصد یک سیاق به یکدیگر تا زمانی که سیاق پیوسته است و با دلیل مشخص منقطع نشده، عقلاً اولی است. مفسر با تأکید بر این نکته، از تفکیک آیات مرتبط با یکدیگر، تجزیه وحدت و اختلال در نظم آیات دوری کرده است. در متن زیر علامه طباطبایی ضمن تفسیر آیه نشان می‌دهد در صورت نقض وحدت مفهومی سیاق به واسطه تفکیک معانی، تفسیر آیه، چگونه دچار تشتت و اختلال خواهد شد:

«بعضی در تفسیر جمله «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكَبْتَهُ عَلَيْهِ» مقصود ضمیر «علیه» را ابوبکر بیان کرده‌اند، ولی اگر چنین باشد، براساس وحدت سیاق، باید جمله «وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا» نیز مربوط به وی باشد. بعضی از صاحبان این نظر، برای فرار از نادرستی تفکیک وحدت سیاق، مرجع ضمیر «ایده» را ابوبکر دانسته‌اند. این مفسران با کمی بی‌پروایی، می‌توانند جمله «وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى» را هم در شأن او تلقی

کنند تا هیچ‌گونه تفکیکی در سیاق لازم نیاید. پوشیده نیست، این گونه تفسیر، آیه را با ویژگی یکپارچگی مفهومی به آیه‌ای با معانی متناقض تبدیل می‌کند، به گونه‌ای که اولش، آخرش و پایانش، آغازش را نفی می‌کند»^۳.

نقض وحدت مفهومی سیاق، باعث تفکیک آیات و عبارات به هم پیوسته، خروج آیات از یکپارچگی عقلی، تناقض بخشهای مختلف یک کلام و مآلاً سبب بطلان سیاق کلام و ارائه مفاهیمی متعارض با مقاصد صاحب سخن خواهد شد.

بی‌شک، در صورت نقض وحدت مفهومی سیاق آیات، زمینه فراخی برای ارائه تفسیر به رأی، تحمیل مفاهیم بر آیات قرآنی و سوء استفاده بیمار دلان از آیات به وجود خواهد آمد. بدین لحاظ، اهتمام به حفظ وحدت مفهومی آیات، تأکید بر صیانت از معانی و مقاصد آیات الهی است.

ب (التقاط و تداخل معانی غیرمرتبط با

۱- این بحث در زیرمجموعه عنوان «نظم» مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- این بحث زیرمجموعه عنوان «جامعیت و تمامیت» است و به دلیل اهمیت آن، ذیل عنوان مذکور مشروح‌تر بررسی خواهد شد.

۳- طباطبایی، ج ۹، ص ۲۸۱؛ ج ۲، ص ۱۲.

آیات،^۱ نوع دیگر انتفاض وحدت مفهومی در سیاق به شمار می‌رود. تأکید بر وحدت مفهوم در هنگام تفسیر آیات، از ورود و آمیختن مفاهیم ناهمگون، بی‌ربط و غیرمقصود سیاق و بروز پراکندگی در معانی و ظهور تفسیری متناقض پیشگیری می‌کند. مرحوم علامه در این باره می‌نویسد:

«فخر رازی روایتی از ابن عباس نقل می‌کند که بین رسول الله ﷺ، و وحشی پیامهایی تبادل می‌شده است. تأمل در این روایت، تردیدی درباره جعلی بودن آن باقی نمی‌گذارد. سازنده روایت قصد اثبات این مطلب را دارد که وحشی و یارانش با وجود ارتکاب گناهان بزرگ و کوچک، آمرزیده شده‌اند. بدین منظور، آیاتی از قسمتهای مختلف قرآن جمع کردند (التقاط)؛ از یک جا استثنا و از جای دیگر مستثنی را گرفته‌اند؛ در حالی که هر کدام در محل خود، محفوف به آیات اطراف و دارای ارتباط و اتصال با آنهاست و هر مجموعه آیات دارای سیاقی است که امکان قطعه قطعه کردن و تفکیک نمودن آنها نیست»^۲.

به شمار می‌رود. این عامل باعث می‌شود متکلم هر آنچه برای تحقق سیاق ضروری بداند در کلام درج نماید و فهم کلام او از نظر مفهومی وابسته به نصوص دیگری نباشد. این ویژگی اقتضا می‌کند، برای تفسیر و فهم متون و آیات، از الحاق مفاهیم خارج از سیاق به نص پرهیز شود؛ زیرا جامعیت کلام بر اساس سیاق را نقض می‌کند و تحقق دقیق مقصود متکلم را مشکل می‌سازد. این ویژگی را می‌توان از منظر تفسیر، این گونه بیان کرد: هرگاه مجموعه مفاهیم و معانی برای نیل به غرض واحد از یک سیاق تبعیت کند، به آن نص با سیاق مستقل گفته می‌شود.

در مقابل سیاق اصلی و تام، سیاقهای تبعی برای رسیدن به مقاصد و اغراض میانی کلام قرار دارند. سیاقات تبعی می‌توانند متعدد و از نظر اغراض متنوع، ذیل یک سیاق کلی و مستقل مندرج باشند. هرچند سیاقهای تبعی هر یک غرض خاصی را پیگیری می‌کنند، ولی به طور کلی از روند سیاق تام تبعیت دارند و برآیند آنها در ساختن سیاق اصلی، نقش مؤثری دارد.

۱ استقلال و تمامیت سیاق

سیاق به عنوان پایه ساختن نص، عامل عمده در جامعیت و فراگیری مفاهیم در کلام

۱- این بحث زیرمجموعه عنوان ویژگی «اتصال» است و در آنجا مشروح‌تر بررسی خواهد شد.
۲- طباطبایی، ج ۴، ص ۳۸۱؛ ج ۱۴، ص ۲۳۹.

سیاقهای جزئی و تبعی، وافی معنای کلی نیستند، بلکه بخشی از مقصود کلی را تأمین می‌کنند و برای فهم غرض اصلی سیاق تام، باید به سیاقهای تبعی دیگر و برآیند آنها توجه کرد.

در تفسیر سوره‌های قرآن به‌ویژه سوره‌ای که دارای سیاق واحد است، تشخیص اهداف میانی و تمایز آن از غرض نهایی سوره، نقش مهمی در تفسیر و فهم معانی آیات دارد؛ مثلاً در سیاق اصلی سوره مبارکه احقاف، غرض دعوت مشرکان به اسلام و ایمان به خداوند لحاظ شده است. در این سوره، برای رسیدن به هدف اصلی، سیاقهای تبعی متعددی ذیل سیاق اصلی سوره مندرج است که باید مفسر در تفسیر آیات به رابطه منطقی سیاق تبعی با سیاق تام سوره توجه نماید. در سوره احقاف، ذیل سیاق اصلی سوره، سیاقهای تبعی تبشیر و انذار، استدلال عقلانی، استدلال به شاهدی از بنی اسرائیل، دفع شبهه مقدر، رد اعتقادات مشرکان، در ساختاری منظم و منطقی چیده شده‌اند و از برآیند عقلانی آنها سیاق تام سوره تحقق می‌یابد.

۲- ویژگی اتصال (مانع بودن)

سیاق دارای نقش اساسی در پیوند

ظاهری و مفهومی کلمات و عبارات برای تکوین کلام و نصوص است؛ زیرا تحقق ویژگی وحدت سیاق به عنوان عامل اصلی پیوند و یکپارچگی مفاهیم بدون عامل «اتصال» متفی است. بدین لحاظ، هنگامی که مفسر به ویژگی اتصال در تفسیر سیاقی قرآن توجه می‌کند، در واقع به روشی در مقابل و برخلاف روش تجزیه‌ای تفسیر پای فشرده است. در روش تجزیه‌ای به فهم نصفی و تفکیکی آیات از یکدیگر اعتماد می‌شود. از آنجا که اجزای یک شیء به صورت تفکیک و متفرق نمی‌تواند حقیقت کل شیء را منعکس نماید، روش تجزیه‌ای تفسیر نه تنها قابلیت بیان مقصود واقعی آیات را ندارد، بلکه در مواردی می‌تواند به ضد آن تبدیل شود و بیش از پیش مفسر را از مقصود آیات دور کند. این روش، معلول ساختن کلام در بیان مقصود است.

اما ویژگی اتصال در تفسیر سیاقی، زمینه حفظ وحدت مفهومی سیاق آیات و پیوند آیات متصل به‌هم را فراهم می‌نماید و مفسر را ملزم می‌سازد که از تفکیک معانی مندرج در یک سیاق پرهیز نماید؛ زیرا اگر آیتی که در ساختار یک نص قرار گرفته‌اند، از یکدیگر تفکیک شوند، پیوند مفهومی آنها گسسته خواهد شد و نمی‌توانند مفسر

یکدیگر باشند. بدین جهت، خصوصیت اتصال ضامن تحقق معنای عبارت «القرآن یفسر بعضه بعضاً» است. به همین دلیل، علامه طباطبایی ذیل آیه‌ای بر حفظ پیوند آیات یک سیاق در تفسیر چنین تأکید می‌کند: «هریک از آیات (موردنظر) در مکانی واقع شده‌اند که با آیات اطراف دارای ارتباط و اتصال هستند و مجموعاً دارای یک سیاق می‌باشند. بنابراین، نباید آیات را از یکدیگر جدا کرد»^۱.

برای حضور ویژگی اتصال در سیاق کلام، وجود دو خصوصیت ضروری است: اولاً باید توالی، پیوند ظاهری و نزدیکی میان آیات و عبارات وجود داشته باشد. بنابراین، آیات و عبارات دور از یکدیگر و پراکنده در سوره‌های متعدد، با وجود اشتراک در موضوع، از این شرط برخوردار نیستند.

ثانیاً برقراری پیوند مفهومی، ارتباط معنایی و تلازم عقلی که از آن «استلزام بعض لبعض» یاد می‌شود، در میان آیات و عبارات برای برقراری ویژگی اتصال ضرورت دارد. مرحوم علامه با جمله «یرتبط بعضها ببعض»^۲ به ارتباط مفهومی آیات ۴۳ - ۵۰ سوره مائده اشاره می‌کند:

«بخشهای آیات یاد شده، به یکدیگر

متصل، مرتبط و دارای سیاق واحدند. از سیاق آیات معلوم می‌شود آیات مذکور درباره گروهی از اهل کتاب نازل شده که رسول الله ﷺ را نسبت به بعضی از احکام تورات به داوری دعوت کردند و امید داشتند که ایشان بر خلاف تورات داوری کنند»^۳.

وقوع ویژگی اتصال در سیاق مشروط به تحقق شرایطی در کلام است، از جمله:

الف - وحدت نزول، شرط لازم برای وقوع ویژگی اتصال در آیات و بهره‌گیری از آن در تفسیر سیاقی آیات است. متقابلاً، تنجیم در نزول آیات با ویژگی اتصال منافات دارد. این بحث را بعداً به صورت مشروح پیگیری می‌کنیم. به شهادی از کلام علامه در این باره توجه کنید:

«دقت در سیاق آیات نشان می‌دهد، آیات دارای سیاق واحد، متصل به یکدیگرند و دلیلی بر نزول تدریجی آنها وجود ندارد. این نکته، بر نزول یکپارچه آیات دلالت می‌کند»^۴.

ب - وجود غرض واحد به عنوان هدف اصلی سوق عقلی کلام، برای وقوع ویژگی

۱- طباطبایی، ج ۴، ص ۳۸۱.

۲- همان، ج ۵، ص ۱۱۶۸، ج ۷، ص ۳۸۱.

۳- همان، ج ۵، ص ۲۳۸.

۴- همان، ج ۷، ص ۵.

اتصال در سیاق ضروری است. از طرف دیگر، اغراض متعدد نشانه تشبیه و پراکندگی است و سبب تفکیک سیاق درکلام می‌گردد. موضوع وحدت غرض به دلیل اهمیت، در بخشهای بعدی به طور مستقل بررسی خواهد شد.

مرحوم علامه، از جمله مفسرانی است که به ویژگی اتصال در عبارات و آیات برای تفسیر قرآن اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند، او معتقد است بخشی از جمال و لطایف آیات و معانی قرآنی، در همین نکته نهفته است:

«تبدیل عبارت «والذین هم بایاتی یؤمنون» به عبارت «وَالَّذِينَ هُمْ بِسَائَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف / ۱۵۶)، به شیوه‌ای لطیف سبب اتصال این عبارت با آیات سابق در سیاق شده است. این از سیاقهای بسیار زیبا و تعجب‌برانگیز قرآنی است. پس در آن تأمل کن!»^۱

اهمیت اتصال در تفسیر سیاقی قرآن و نقش آن در فهم مقاصد و معانی آیات به گونه‌ای است که در تفسیر آیات نباید معانی و مفاهیمی منافی اتصال آیات ارائه شود. مرحوم علامه طباطبایی بر این نکته تأکید می‌کند:

«چهارمین دیدگاه تفسیری دربارهٔ «إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ» این است که استثنای اول، متصل

به عبارت «لَمْ يَهَيِّأْ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشِهْقٌ» باشد. در این صورت، تقدیر عبارت چنین می‌شود: «مگر آنچه خداوند از انواع عذابها بخواهد» که از این دو نوع عذاب بیرونند. بنابراین، استثنا ارتباطی با خلود در آتش ندارد، و استثنای دوم درباره اهل بهشت، متصل به جمله‌ای در تقدیر است و عبارت «عَطَاءٌ غَيْرٌ مُّجْدُوذٌ» بر آن دلالت می‌کند. در این صورت، گویا گفته شده: بهشتیان را در بهشت نعمتهای زیادی است و بجز آن نعمتهای دیگری که اگر خدا بخواهد، ارزانی می‌کند. این تفسیر نیز مخدوش است؛ زیرا بدون هیچ دلیلی باعث قطع اتصال آیات و اختلال در وحدت سیاق می‌گردد»^۲.

در متن بالا نشان داده شده تفاسیری که به قطع اتصال آیات منجر شود قابل نقد و رد می‌باشند. از بُعد دیگر، توجه به قطع آیات مستقل و خارج از سیاق در تفسیر و فهم معانی آیات اهمیت دارد. نادیده انگاشتن این اصل، باعث درهم آمیختن معانی مستقل، خروج از مقاصد آیات و بروز اختلاف در مفاهیم می‌گردد.

ویژگی اتصال به دو صورت اساسی در

۱- طباطبایی، ج ۸، ص ۲۷۷.

۲- همان، ج ۱۱، ص ۳۰.

تفسیر آیات نقش آفرینی می‌کند:

اولاً: از طریق حفظ وحدت مفهومی سیاق در تفسیر آیات و فهم معانی تأثیرگذاری می‌کند؛ زیرا وحدت مفهومی، التئام و اتساق جمل در سیاق بدون حضور عامل اتصال قابل تحقق نیست. به عبارت دیگر، وقتی مجموعه آیات مندرج در یک سیاق، هر یک دارای اغراض تبعی و خاصی هستند، اتصال آیات زمینه امتزاج اغراض تبعی و ظهور غرض نهایی و اصلی سیاق را فراهم می‌نماید:

«... هر یک از دو آیه دارای غرض و مفهوم خاصی است، ولی به دلیل سیاق آیات، هر دو آیه برای بیان (مسوق) یک هدف می‌باشند و دارای اتصال و ارتباط با کلام هستند. در این آیات، خداوند قبول توبه پیامبر، مهاجران، انصار، و سه نفری را که به جنگ نرفته بودند، اعلام می‌کند. آیه دوم از نظر ساختار لفظی از آیه اول جدا نیست، هر چند دارای مفهومی مستقل است. این وضعیت، نزول باهم و به دلیل اتصال و امتزاج مفهومی، تعلق به غرض را روشن می‌کند. شاید غرض اصلی، اعلام قبول توبه آن سه نفر باشد، ولی ضمیمه کردن قبول توبه مهاجر، انصار و حتی نبی اکرم ﷺ برای خشنودی قلبی آنهاست»^۱.

بنابراین، هنگامی که آیات متعدد، متصل به یکدیگر لحاظ گردد؛ علاوه بر امتزاج مفاهیم، مجموع آیات به یک غرض تعلق می‌گیرد و مقاصد همه آنها با توجه به آن غرض واحد، تفسیر می‌گردد.

در متنی، علامه اتصال آیات و نقش آن در ایجاد وحدت مفهومی در سیاق را نشان می‌دهد و اینکه مآلاً این وحدت مفهومی در تفسیر آیات چگونه نقش ایفا می‌کند:

«آیات پنج‌گانه یاد شده، دارای یک سیاق، متصل و متشابه با یکدیگرند. بدین جهت، با بسیاری از گفته‌های تفسیری این اقوال نامسازگار است، زیرا باعث اختلاف مفهومی در قسمها می‌گردد؛ مثلاً مقصود «النسازعات» فرشتگانی که جان کافران را می‌گیرند، «الناشطات» حیوانات وحشی، «السابحات» کشتیها، «الساقات» مرگها که بر آرزوها سبقت می‌گیرند، «المدبرات» افلاک باشد. بسیاری از این تفاسیر، دلیلی از سیاق کلام بر صحت آن وجود ندارد، بلکه تنها صلاحیت لفظی - اعم از مجاز و حقیقت - سبب مطرح شدن آنها در تفسیر آیه شده است»^۲.

۱- طباطبایی، ج ۹، ص ۳۹۹.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۸۰.

علامه تصریح می‌کند، هرگاه قسمهای متعدد و جواب آنها در یک سیاق مندرج است، نباید مراد و مصادیق قسمها به گونه‌ای تعیین شود که در وحدت مفاهیم سیاق و اتصال آیات، تفرق و پراکندگی ظهور نماید. وی بارها بر رابطه مستقیم وحدت مفهومی سیاق و اتصال و نقش آن در فهم معانی آیات تأکید کرده است.

ثانیاً: ویژگی اتصال در یک سیاق اقتضا می‌کند همه معانی و مفاهیم به یکدیگر متصل بوده، به واسطه این ارتباط مفهومی، ادراک شوند. این ویژگی مستقیماً در بیان مقاصد ارائه مفاهیم نقش ایفا می‌کند، مثلاً وقتی موضوعی محور سخنی قرار می‌گیرد، عبارات متصل به آن کلام، بر مدار آن موضوع تفسیر می‌شوند. اگر تغییری در موضوع رخ دهد، موضوع جدید، التفاتاً مورد توجه متکلم واقع شده است. این شیوه بیان مطالب در قرآن فراوان دیده می‌شود؛ مثلاً آیات به هم پیوسته‌ای با سیاق واحد، موضوع منافقان را دنبال می‌کند، ولی در ضمن آیات به دلیل خاصی، مطلبی درباره مؤمنان گفته می‌شود:^۱

به نمونه‌ای در این باره توجه کنید:

«سیاق این کلام شاهدی دیگر بر اتصال آیه «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

جَنَاحٍ» (مانده / ۹۳) با آیات قبل و نزول آیه با آنهاست و اینکه آخرین آیه از مجموعه آیات نازل شده در تحریم خمر است. این آیات گواهی می‌دهند که بعضی مسلمانان در فاصله نزول آیه قبلی در تحریم خمر و این آیات، هنوز از شرب خمر دست نکشیده بودند»^۲.

در نمونه بالا، مفسران با استفاده از اتصال آیات، مقصود عبارت «فِيمَا طَمِعُوا» (مانده / ۹۳) را شرب خمر در دوره قبل از تحریم آن، بیان کرده‌اند؛ در حالی که اگر اتصال آیه مورد نظر با آیات قبل لحاظ نگردد، چنین استنباطی تحمیل بر آیه تلقی می‌گردد.

۳- ویژگی انتظام مفاهیم

یکی دیگر از ویژگیهای لازم ساختاری برای تحقق وحدت مفهوم در کلام، انتظام مفاهیم است. این خصوصیت، به مدد دو ویژگی دیگر (اتصال، تمامیت) سبب ایجاد منطق خاص در چینش مفاهیم و زمینه انسجام و یکپارچگی کلام می‌گردد. دیدگاه دانشمندان درباره تعریف نظم کلام، متفاوت است. گروهی نظم را مقتضای

۱- طباطبایی، ج ۹، ص ۳۲۹.

۲- همان، ج ۶، ص ۱۲۹.

علم نحو و بعضی دیگر در تعاریف، به مفهوم تناسب بین الفاظ و عبارات نزدیک شده‌اند. عده‌ای نظم را لجام الفاظ و بعضاً زمام معانی و سبب انتظام و التام اجزای کلام پنداشته‌اند.

از منظر سیاق، نظم یعنی منطوق و عقلانیت خاص در چیش مفاهیم که برآیند آن به تحقق غرض می‌انجامد. به بیان دیگر وحدت مفهومی در سیاق هنگامی تحقق می‌یابد که میان مفاهیم مندرج در یک کلام، رابطه منطقی خاصی برقرار باشد.

نظم در سیاق، سبب پردازش و ترکیب مفاهیم، التام معانی و سوق مفاهیم به سوی یکدیگر می‌شود. در چنین فرایندی، کلام به وحدت و انسجام مفهومی نایل شده، غرض متکلم را تعقیب می‌نماید. در واقع، هنگامی که میان دو یا چند مفهوم روابط منطقی خاصی برقرار می‌شود، مفاهیمی نو و بدیع به وجود می‌آید. به تعبیر دقیق‌تر، انتظام عقلانی مفاهیم، در مفهوم‌سازی نقش اساسی ایفا می‌کند و متکلم می‌تواند با بهره‌گیری از چنین ظرفیتهای عقلانی، مفاهیم بلند و معانی بسیاری را در لابه‌لای عبارات به ودیعت نهم سازد و بی‌شک ادراک آنها در وقت تفسیر کلام، به تأمل زیاد نیاز دارد.

انتظام عقلانی مفاهیم در کلام، به صورت ترتیبات، روابط جملات و عبارات در ساختار لفظی کلام تجلی می‌کند.

همان گونه که بیان شد، برای ایجاد وحدت مفهوم در کلام، نظم ضروری است؛ اما برای ایجاد نظم، تحقق سه مرتبه (مرحله) انسجام و هماهنگی در اجزا و تمام کلام، ضروری می‌باشد:

اولاً: تناسب عبارت و الفاظ؛

ثانیاً: روابط مفاهیم و ارتباط آیات؛

ثالثاً: انتظام کلام (نظم کلی).

آنچه تاکنون بیان شد، درباره انتظام کلام و نظم فراگیر نص است. برای رسیدن به نظم کلی در کلام، به ارتباط هماهنگ مفاهیم و تناسب عبارات نیاز است.

الف - تناسب

هرگاه نظم، به عنوان کیفیت عقلانی قرارگرفتن مفاهیم در کلام مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد، به مفاهیمی در درون سیاق می‌رسیم که وظیفه آن برقراری ارتباط دوطرفه میان مفاهیم داخل جملات و تبیین نسبت معانی و الفاظ به یکدیگر است. این خصوصیت نزد علما به تناسب و مناسبت معروف است؛ مانند رابطه الفاظ یا عبارتی نسبت به ماقبل یا رابطه فواصل آیات نسبت

به مفاهیم داخل آیات مربوط. بنابراین، تناسب، به روابط موجود دوطرفه مفاهیم جزئی و الفاظ در ذیل نظم کلام اطلاق می‌گردد.

در این باره، سیوطی گفته است:

«مناسبت در لغت، همشکل و به هم نزدیک بودن را گویند. در آیات و مانند آن، به معنای ربط‌دهنده بین آنها بر می‌گردد، عام باشد یا خاص، عقلی یا حسی یا خیالی یا انواع دیگر علاقه‌ها و یا تلازم ذهن، مانند سبب و مسبب، علت و معلول، دو نظیر و دوزد و امثال اینها»^۱

مثلاً در آیه «مِمَّا خَبَيَّا نَهُمْ أَغْرَقُوا فَاذْخُلُوا نَارًا» (نوح / ۲۵) جمع بین اغراق در آب و ادخال در آتش، از جمله تناسبهای لطیف در آیات قرآنی است.

ب- ارتباط آیات

بخش مهمی از انسجام و هماهنگی مفهومی در کلام، به ارتباط معنادار بخشهای اصلی نص به یکدیگر برمی‌گردد. برای تحقق نظم کلی در سخن، باید چگونگی ارتباط هریک از بخشهای کلام مثلاً ارتباط هرآیه با آیات قبل و بعدش روشن باشد تا ضمن ترکیب و پیوستگی معنادار و هماهنگی قوی اجزا، تمام نص به صورت

کلامی روان به سمت غرض هدایت شود. اگر این خصوصیت در کلام وجود نداشته باشد و اجزای سخن با یکدیگر ارتباط نداشته باشند، نظم کلی نص و مآلاً وحدت مفهوم کلام دچار اختلال می‌شود.

ارتباط اجزای کلام با یکدیگر، می‌تواند به اشکال مختلف مانند ارتباط نحوی مثلاً عطفی، وصفی، تأکید؛ یا یکی از انواع ارتباط عقلی مانند تعلیل، تسیب، تمهید، سؤال و جواب و... باشد.

ابن عربی درباره ارتباط در آیات قرآن، می‌گوید:

«ارتباط آیات نسبت به یکدیگر به گونه‌ای است که آنها را به صورت یک کلام واحد، هماهنگ و منظم در آورده است، در «ارتباط آیات»، دانشی بزرگ نهفته است»^۲.

زرکشی و سیوطی^۳ با عباراتی مشابه، ارتباط منسجم و پیوستگی مفاهیم را با یکدیگر از لوازم نیکویی و هماهنگی کلام تلقی کرده‌اند.

۱- جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، تهران،

امیرکبیر، چاپ اول: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۶۲.

۳- همان، ج ۱، ص ۶۲ سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۲۴۸.

همان طور که برخی مفسران گفته‌اند^۱، بسیاری از مقاصد و معانی قرآن در ارتباط آیات آن نهفته است.

مرحوم علامه طباطبایی درباره ارتباط آیه «إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ...» (یونس / ۹۶) می‌گوید این آیه، تعلیل برای نهی ذکر شده در عبارت «فَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُمْتَرِينَ» (یونس / ۹۴) است. در این تعلیل سبب حکم بیان شده است.

ج - نقش نظم در تفسیر

متکلم حکیم برای هر مقصدی هنگام تکلم، باید نظم متناسب با آن غرض را در کلام اعمال نماید. بنابراین اگر کلام او بوجه متناسبی انتظام نیافته باشد، یا اصلاً ویژگی نظم در پیام متکلم حضور نداشته باشد، آن سخن، پراکنده و اجزای آن بی‌ربط به یکدیگر به نظر خواهد آمد و طبعاً مخاطب از آن سخن، به مقاصد گوینده راه نمی‌یابد، و به بیان دیگر آن کلام فاقد عنصر بلاغت است. بنابراین، نظم در کلام عنصری دو وجهی است، از یک سو ابزاری برای بیان مقاصد در دست متکلم و از دیگر سو، راهی برای ادراک معانی در پیش روی مخاطب است. به همین دلیل جایگاه بسیار مهمی در تفسیر دارد^۲.

اهمیت و کارایی نظم در تفسیر آیات قرآن، در نظر بسیاری از مفسران، گرانقدر می‌نماید و توجه به ویژگی نظم را اساس دریافت لطایف معانی و مفاهیم قرآنی بر شمرده‌اند.

زرکشی و سیوطی، به نقل از امام فخر رازی، می‌گویند:

«هرکس در لطایف نظم و بدایع ترتیب این سوره (بقره) تأمل کند، خواهد دانست قرآن همان‌طور که از جهت فصاحت الفاظ و شرافت معانی‌اش معجزه است، همچنین به سبب نظم و ترتیب آیاتش هم اعجاز دارد و شاید کسانی که گفته‌اند: از جهت شیوه و اسلوبش معجزه است، همین منظور را داشته‌اند. من جمهور مفسران را می‌بینم که از این لطایف دور مانده و از این اسرار بی‌توجه گذشته‌اند»^۳.

بنابراین آنچه محققان درباره اهمیت و کارایی نظم بیان کردند، هرگاه نظم در کلام در راستای غرض سیاق ملاحظه شود،

۱- باقلانی، اعجاز القرآن، ص ۲۰۹.

۲- سیوطی، الاتقان، ج ۲، ص ۳۲۷.

۳- زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۶۲؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه...، تهران، امیرکبیر، چاپ اول: ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۳۴۲.

می‌تواند به عنوان یک ویژگی اساسی و کارآمدتر در تفسیر آیات قرآن به کار گرفته شود. از ویژگی نظم می‌توان در دو بُعد کلی در تفسیر آیات بهره گرفت:

۱) دیدگاه اندیشمندان اسلامی نشان می‌دهد در نظم قرآن، اسرار ودایع معنوی عظیمی نهفته است و بی‌شک بر هر مفسری لازم است که با استفاده از نظم آیات، به مقاصد آنها دست یابد. زرکشی^۱ به همین معنا اشاره می‌کند: برای فهم معانی و مقاصد آیات، توجه مفسر عمدتاً باید به نظم آیات باشد، چون کلام براساس آن شکل گرفته است. باقلانی^۲ نیز که نظم قرآن را یکی از وجوه اعجاز می‌شمارد، آن را دارای ابواب بسیار و عجایب گسترده می‌داند که بدون تأمل در آن مقاصد آیات را نمی‌توان دریافت.

۲) ویژگی نظم در آیات، می‌تواند به عنوان یک ملاک، برای تشخیص درستی و نادرستی اقوال و دیدگاه‌های تفسیری و ابزاری برای پیراستن تفسیر آیات از مفاهیم ناموجه استفاده شود؛ زیرا وحدت مفهومی، التمام و انسجام معانی منتج از حضور عامل نظم در آیات، باعث می‌شود ورود هر مفهوم مغایر سیاق به تفسیر و یا خروج هر معنایی مستلزم با سیاق را نپذیرد، و در صورت تحمیل، به وحدت مفهومی و انسجام سیاق

آسیب واضح وارد کند. بعضی از مفسران نیز برای فهم مقاصد آیات به این شیوه تأسی جسته‌اند. آنان در ضمن تفسیر آیات، به نظم آنها برای نقد اقوال تفسیری و اثبات تعارض آنها با مقاصد آیات استناد کرده‌اند. با این حال، در موارد بسیاری، مفسران^۳ بیان نکرده‌اند تعارض مورد نظر آنها، چگونه و با چه بخشی از نظم آیات واقع شده است؟ در این زمینه، شیوه نقد و بررسی علامه در تفسیر المیزان بسیار واضح‌تر و دقیق‌تر است. ایشان در موارد زیادی، دقیقاً علت تعارض اقوال و روایات را با نظم آیات و یا ویژگیهای دیگر سیاق تبیین می‌کنند؛ مثلاً ایشان در ذیل تفسیر آیه «فَأَنْقَلِبُوا يُبْعَثُونَ مِنْ لَدُنْ رَبِّكَ...» (آل عمران / ۱۷۴) می‌گویند:

«بسیاری از روایات نقل شده درباره این آیه اسباب نزول نیست، بلکه برخی حوادث تاریخی که بر حسب ظاهر با مفهوم آیه مرتبط بوده، به صورت روایت تفسیری برای آیه مذکور نقل شده است، در حالی که اگر

۱- زرکشی، البرهان، ج ۱، ص ۳۱۶.

۲- باقلانی، اعجاز قرآن، ص ۲۰۹.

۳- ابوالسعود محمد بن محمد عمادی، تفسیر ابوالسعود، ج ۶، ص ۲۶۲؛ ج ۳، ص ۱۱۱؛ ج ۶، ص ۱۶۴؛ ج ۵، ص ۱۸۰؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱، ص ۲۷۴.

این روایات به عنوان تفسیر آیه مذکور و آیات قبل و بعد در نظر گرفته شود منجر به تجزیه یک نص واحد و اختلال در نظم آن خواهد شد.^۱

۴- وحدت غرض

ساختار سیاق از مفهوم «گزاره» همراه با غرض، تکوین می‌یابد. بدین لحاظ، غرض متکلم، اساسی‌ترین بخش در جهت‌گیری و اتجاه جریان کلام و عامل مهم در بلاغت سخن او به شمار می‌رود.

نظم، معانی و اسلوب کلام، از نوع غرض تبعیت کامل دارد؛ زیرا هر غرضی، «اسلوب کلامی ویژه‌ای» و «جیش مناسبی را برای مفاهیم» طلب می‌کند.

به همین دلیل، دانشمندان علم «معانی و بیان» به اهمیت «غرض» در مباحث مربوط به نص توجه کرده‌اند. آنان در تعریف علم معانی تصریح کرده‌اند: گرچه اصول و قواعد این علم برای مطابقت با مقتضیات حال مخاطب است، ولی کلام باید وفق غرض سیاق باشد و در علم «بیان» به اسلوبهایی می‌پردازند که مقصود و غرض متکلم را به زیبایی ادا نماید. آنان گفته‌اند: هرگاه صاحب سخن قصد اثبات صفتی برای موصوفی را دارد، از شیوه «تشبیه» استفاده می‌کند و اگر

قصد عدم تصریح به موضوعی را داشته باشد، در اسلوب کلامش به کنایه و اگر مرادش تکثر در معنای الفاظ باشد به مجاز و استعاره روی می‌آورد. بی‌شک، شیوه‌های کلام بسیارند و اگر تنوع کیفیت نظم درون کلام نیز در نظر گرفته شود، آن وقت عرصه‌ای گسترده در روشهای کلام پیش رو داریم.

ابن رشیق^۲ در زمینه مقاصد سخن و رابطه آن با اسلوب در شعر معتقد است سخن مدح برخلاف هجو باید نرم و گوش‌نواز، در هنگام فخر فروشی باید طولانی، و وقت عتاب، کوتاه، تند و با صدای بلند باشد.

جرجانی نیز به تفاوت شیوه‌های کلام، با توجه به اغراض تأکید می‌کند. به نظر او نباید هنگام مدح مانند تغزل سخن گفت، و شیوه مدح شجاعت در جنگ، با مدح در مراسم شادی متفاوت است.^۳

همچون ادبا، مفسران نیز بر اهمیت

۱- طباطبایی، ج ۴، ص ۷۴.

۲- ردة الله بن ردة، دلالة الیاق، ص ۹۱. به نقل از: ابن رشیق قیروانی، العمدة فی محاسن الشعر و آدابه، ج ۱، قاهره، السعادة، ۱۳۸۳، ص ۱۹۹.

۳- همان، ص ۹۲.

غرض در کار تفسیر آیات تأکید کرده‌اند. ابوالبرکات گفته است: اگر کلام محلی است برای بیان غرضی از اغراض، پس باید سیاق کلام به گونه‌ای متوجه آن غرض گردد که هیچ غرض دیگری را نپذیرد.^۱ آلوسی نیز تکوین و تنظیم مفاهیم و معانی کلام را بر محوریت غرض مورد تأکید قرار می‌دهد. او می‌گوید:

«بر انسان بلیغ لازم است که سخن را فقط بر اساس مقصود براند (از عوامل غیر مراد خالص سازد) و از آوردن اضافات در سخن مگر برای تقویت مقصود، بپرهیزد. پس اگر زن قدکوتاهی را دید که لباس بلند بر تن دارد، بگوید: لباس بلند و فرد قد کوتاه، نه اینکه «زن قدکوتاه»، زیرا سخن درباره زن و مرد بودن او نیست و اگر بگوید «زن قدکوتاه» گمان می‌رود «زن بودن او» در مقصود سخن مدخلیت دارد. این نکته به عنوان اصلی از اصول، باید همیشه مورد توجه باشد و بر مبنای آن، حذف، اثبات، تقیید، اطلاق و... در آیات قرآن و هر سخن بلیغ تعیین گردد».^۲

مراجعه به کتب مفسران نیز گواه دیگری بر جایگاه اساسی غرض در تفسیر آیات است. اما در میان کتب تفسیری، تفسیر المیزان برجستگی خاصی دارد. علامه طباطبایی در سراسر این کتاب «غرض» را به عنوان یک

محور و در ارتباط با سیاق، ملاحظه می‌کند. از شیوه تفسیری او استنباط می‌شود که «غرض» یک رکن اساسی در تکوین سیاق و عمود اصلی خیمه در تفسیر آیات است. او ذیل تفسیر آیه‌ای، غرض را در کلام مانند مفهومی جامع، رشته پیوند معانی مندرج در سیاق می‌داند. این وجه جامع، جهت تمام اجزای سیاق را برای مفسر تبیین می‌نماید.^۳

تعیین دقیق غرض

یکی از مباحث مهم در تفسیر آیات، تعیین دقیق غرض سیاق است. اگر غرض متکلم در سخن درست فهمیده نشود، معنای درستی از نص به دست نخواهد آمد. مثلاً اگر گفته شود «جاء الاسد» و مراد صاحب سخن مدح زید باشد، عبارات پیوسته به آن جمله، بر همین مدار تفسیر می‌شود. ولی اگر مراد متکلم از عبارت «جاء الاسد» تحقیر زید جبان باشد، عبارت پیوسته به آن نیز مفهوم کاملاً متفاوتی با مراد قبلی ارائه خواهد کرد.

۱- ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود نسفی، تفسیر نسفی، ج ۴، ص ۵.

۲- آلوسی، روح المعانی، ج ۲۴، ص ۱۲۹.

۳- طباطبایی، ج ۱۲، ص ۲۰۳.

در قرآن کریم، خطاب به منکران بعث و حشر آمده: «ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ» (دخان / ۴۹). مراد آیه برخلاف ظاهر الفاظ «عزیز و کریم»، برای تحقیر آنان است.

اشتباه در تشخیص غرض، در واقع انحراف در محور تفسیر تلقی می‌گردد و معانی نامربوط و ناموجه را در توضیحات آیات وارد می‌کند؛ مثلاً در تفسیر آیه «أَفَنَجْمُهُمُ الْمُسْتَبِينُ كَالْمُجْرِمِينَ» (قلم / ۳۵) همان طور که ابتدا به نظر می‌رسد و برخی مفسران گفته‌اند؛ غرض این آیه مانند آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّبِعِينَ كَالْمُجْرِمِينَ» (ص / ۲۸) احتجاج برای معاد است، ولی علامه طباطبایی با تکیه بر تحلیل سیاق، به بررسی و رد اغراض بیان شده درباره سیاق آیه می‌پردازد و می‌گوید: «تدبر در سیاق آیات نشان می‌دهد غرض آیه، رد ادعای تساوی میان مسلمانان و مجرمان است؛ زیرا کرامت انسان مسلمان نزد خداوند، اجازه نمی‌دهد آنان و مجرمان در جایگاهی برابر قرار گیرند»^۱.

کارکرد غرض در سیاق کلام، مبین حاکمیت معنایی غرض در تفسیر آیات نسبت به مفاهیم و معانی دیگر است. بنابراین، غرض در سیاق می‌تواند به عنوان یک

شاخص مفهومی معتبر برای تشخیص روایی یا ناروایی تفسیر و معانی ارائه شده درباره آیات به کار گرفته شود.

در متنی، شوکانی، تفسیر جاحظ را چون منطبق با غرض آیه نمی‌داند، رد می‌کند: «جاحظ گفته است مرجع ضمیر «ان منها» قلوب است نه حجارة. این نظر درست نیست، زیرا غرض سیاق در این کلام، تصریح به این نکته است که دل‌های اینان از شدت قساوت و سختی پذیرای حق و پند و اندرز نبوده و حتی سنگ هم به این سختی نیست»^۲.

نقش آفرینی غرض به عنوان یک رکن در سیاق، هنگامی محقق می‌گردد که متصف به ویژگی وحدت باشد؛ زیرا تنها غرض واحد می‌تواند محور در وحدت مفهوم واقع شده و در انسجام تمام مفاهیم و معانی سیاق کارایی داشته باشد. بنابراین، هر سیاق فقط می‌تواند یک غرض را پیگیری نماید و اهداف جزئی مورد نظر در کلام باید با ملاحظه غرض اصلی، انتظام یابند. تکوین کلام بر اساس اغراض اصلی متعدد، سبب تشتت و پراکندگی در سخن و خلاف حکمت است.

۱- همان، ج ۱۹، ص ۳۸۱.

۲- شوکانی، فتح القدير، ج ۱، ص ۱۰۱.

۵- وحدت موضوع

وحدت موضوع، یکی دیگر از شرایط لازم برای تحقق وحدت مفهومی در کلام است. بر اساس این شرط، هر متکلم حکیم، ناگزیر است محتوای کلامش را بر محور یک موضوع نظم بخشد. و از پیگیری موضوعات متعدد به عنوان محورهای اصلی سیاق اجتناب ورزد تا بخشهای مختلف سخن او بی‌ربط به یکدیگر و پراکنده به نظر نرسد.

در واقع، ویژگی وحدت موضوع نشان می‌دهد سیاق درباره چه چیزی یا چه کسی سخن می‌گوید و بر مبنای آن تمام اجزای کلام متناسب با یکدیگر و هماهنگ با موضوع فهمیده می‌شود و هرگاه سخنی بر مدار موضوعی آغاز شود، عقلاً آن موضوع تا پایان کلام در محوریت سیاق کلام باقی خواهد بود و متکلم نباید بدون قرینه‌ای صارفه، موضوع دیگری را در کلام مورد بحث قرار دهد. این ویژگی، در فهم مقاصد سخن توسط مخاطب تأثیر جدی دارد.

وقتی مفسر مفهومی را به عنوان موضوع سیاق آیات بیان می‌کند، در واقع شاخصه‌ای برای تفسیر آیات و ملاکی برای ارزیابی نظرات و مباحث تفسیری درباره آن سیاق تبیین کرده است و با تأسی به آن، ضمن رد معانی و مقاصد غیر مرتبط بر مفاهیم

مندرج موضوع تأکید می‌کند.

مفسران نیز به دلیل اهمیت تفسیری ویژگی وحدت موضوع، در بیان معانی و مفاد آیات به آن توجه کرده‌اند:

طبری در تفسیر جامع البیان، بیش از مفسران دیگر بر اهمیت محوریت موضوع در سیاق تأکید کرده است. او علاوه بر محور قرار دادن موضوع سیاق در تفسیر آیات، بارها بر حفظ موضوع به عنوان محور سیاق در تفسیر و عدم جواز عدول و انصراف از موضوع در تبیین آیات تأکید می‌نماید.

طبری در تفسیر آیه مبارکه «وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (انعام / ۹۱) با توجه به سیاق آیات و مفاهیم متصل به سیاق، ضمن اثبات موضوعیت مشرکان مکه، مفاهیم و مقاصد آیات متصل، از جمله آیه مورد بحث را متعلق به آنان می‌داند. متقابلاً در تفسیر آیه «لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا» (آل عمران / ۱۸۸) با تأسی به سیاق مفاهیم آیات متصل، یهود را به عنوان موضوع آیه مطرح می‌کند. طبری در تفسیر آیه اول، به استناد سیاق، موضوعیت یهود را نفی و مشرکان را اثبات می‌نماید، در حالی که در تفسیر آیه دوم، یهود را به عنوان موضوع مطرح می‌کند و موضوعیت مشرکان را نفی می‌نماید.

دیدگاه و روش طبری درباره اهمیت

تعیین موضوع واحد برای تفسیر آیات دارای سیاق واحد به دلیل اهمیت آن در فهم مقاصد آیات، در میان مفسران دیگر نیز رایج است. شیخ الطایفه نیز در تفسیر آیه «لَا تُحْسِنُ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا آتَوْا» (آل عمران / ۱۸۸) به شیوه طبری با استناد به سیاق آیات، یهود را موضوع آیات مذکور بیان می‌کند.

بحث موضوعات در تفسیر سیاقی قرآنی، از بعد دیگری نیز اهمیت دارد؛ زیرا موضوعات از منظر جایگاه مفهومی، در تفسیر به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - گروه اول موضوعاتی که بیان خودشان و متعلقات آنها مقصود و غرض سیاق به شمار می‌رود.

در عبارت زیر، علامه طباطبایی براساس سیاق آیه ۱۴۴ سوره بقره، قرار دادن کعبه به عنوان قبله مسلمانان را موضوع اصلی سیاق، معرفی می‌کند.^۱

نکته مهم این است که سیاق اصلی و تام، ناظر به موضوع اصلی، ولی موضوعات فرعی و دسته دوم، در خور توجه سیاقات تبعی هستند.

ب - گروه دوم، موضوعاتی مورد نظر است که مقصود از اندراج آنها در سیاق، نفس موضوعات نیست، بلکه از باب تمثیل

یا مصداق ذیل یک مفهوم عام در آیه درج شده‌اند. بنابراین، برای فهم دقیق چنین موضوعاتی، لازم است پس از حذف خصوصیات، با بهره‌گیری از ویژگیهای دیگر سیاق، به آن مفهوم عام و غرض سیاق دست یافت.

بخشی از لطایف مفاهیم آیات، در چنین موضوعاتی نهفته است. هریک از مفسران در خور توان، به تبیین مواردی در این باره موفق شده‌اند.

۶- وحدت صدور (نزول)

لازمه تحقق ویژگی وحدت مفهومی در نص، علاوه بر ویژگیهای ساختاری، منوط به وجود سه شرط مهم (وحدت غرض، وحدت موضوع و وحدت صدور) است. وحدت صدور به عنوان یکی از شرایط لازم در وحدت سیاق، یعنی مجموع الفاظ و عبارات مربوط به یک سیاق، در یک زمان صادر شده باشند. بنابراین، نصوص صادر شده از یک متکلم در زمانهای مختلف، با

۱- طباطبایی، ج ۱، ص ۳۱۶؛ ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابوبکر احمد بن علی رازی جصاص، احکام القرآن، ج ۲، ص ۱۹؛ آلوسی، روح المعانی، ج ۱۹، ص ۱۴۷؛ ج ۱۳، ص ۲۰۳.

وجود شباهتهای مفهومی و موضوعی، نمی‌تواند دارای یک سیاق باشد؛ زیرا عقل و حکمت اقتضا می‌کند هر متکلم حکیم تا غرض و معانی مورد نظر او کاملاً افاده نشده باشد، سخنش را قطع نکند و از ناتمام گذاردن معانی مرتبط به یکدیگر پرهیز نماید تا تشّت و پراکندگی در ذهن سامع نسبت به مقاصد او به وجود نیاید. و هرگاه سخن خود را پایان داد، به معنای انقضای سیاق جاری تلقی می‌شود. شروع مجدد گوینده در وقت دیگر، حتی اگر درباره موضوع قبلی و دارای مفاهیم مشابه باشد، دارای سیاق مستقلی است.

نزول یکپارچه یا وحدت نزول آیات مسندرج ذیل یک سیاق، بدان جهت یک ویژگی مهم در تفسیر آیات تلقی می‌شود که به عنوان عاملی مؤثر در تکوین سیاق آیات نقش آفرینی می‌نماید.

براین اساس، علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان بارها در تبیین سیاق آیات از وحدت نزول به وحدت سیاق و برعکس از وحدت سیاق بر وحدت نزول استدلال می‌کند، مانند:

«سیاق آیات یاد شده، بر نزول یکپارچه آنها دلالت می‌کند و آیات مذکور برای یک غرض بیان (بیّان) شده‌اند و آن تشریح جنگ

با مشرکان مکه برای اولین بار است»^۱
اهمیت وحدت نزول در تشخیص وحدت سیاق، باعث می‌شود مفسر در شیوه تفسیر سیاقی، در گام نخست، تفسیرش را بر نزول یکپارچه آیات هم سیاق بنا کند. علامه در تفسیر آیات صیام، ابتدا به بیان وحدت نزول آیات می‌پردازد و سپس نتایج تفسیری مترتب بر وحدت نزول را با (فاء) نتیجه ادامه می‌دهد:

«سیاق آیات سه گانه یاد شده، بر نزول یکپارچه همه آنها دلالت می‌کند؛ پس عبارت «ایاما معدودات» در ابتدای آیه دوم، ظرف و متعلق به عبارت «الصیام» در آیه اول است و عبارت «شهر رمضان» در آیه سوم، یا خبر برای مبتدای محذوف است، همان ضمیری که مرجعش «ایاما معدودات» است و تقدیر آن «هی شهر رمضان» می‌شود؛ یا مبتدا برای خبر محذوف، و تقدیرش «شهر رمضان هو الذی کتب علیکم صیامه»، ... بنابراین، همه این آیات سه گانه، سخنی یکپارچه و برای غرضی واحد بیان (مسوق) شده‌اند و آن غرض، اعلام وجوب روزه ماه رمضان است».

تأمل در متن و شیوه تفسیری بالا نشان

۱- طباطبایی، ج ۲، ص ۶۰.

منابع و مآخذ

- ۱- آلوسی، سید محمود افندی، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم: ۱۴۰۲.
- ۲- ابن ردة، ردة الله، دلالة السیاق، مکتة، دانشگاه ام القری، ۱۴۲۳.
- ۳- ابن کثیر، ابوالغداء اسماعیل قریشی دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲.
- ۴- جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی، احکام القرآن، چاپ اول: بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۱۵.
- ۵- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول: ۱۴۰۸.
- ۶- سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تهران، امیرکبیر، چاپ اول: ۱۳۶۳.
- ۷- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، فتح القدیر، عالم الکتب.
- ۸- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قسم مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسین بقم.
- ۹- طبرسی، ابوجعفر محمد بن جریر، تفسیر طبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵.
- ۱۰- عمادی، ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی، ارشاد العقل السليم الى مزایا الکتب الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۱۱- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن محمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
- ۱۲- نسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود، مدارک التزیل و حقائق التأویل، قاهره، دارالشعب، چاپ دوم: ۱۳۷۲.

می‌دهد اگر در ابتدای بحث وحدت نزول آیات مورد نظر برای علامه محرز نمی‌شد، بیان مطالب ذیل آن از جمله ارتباط نحوی اجزای آیات، مقدور نمی‌گشت.

چند نکته درباره وحدت نزول:

اولاً: مفهوم سلبی وحدت نزول در تفسیر آیات نیز اهمیت دارد؛ یعنی وحدت سیاق آیتی که دارای ویژگی وحدت نزول نیستند، نفی می‌گردد. همچنین تعدد اسباب نزول درباره آیات متحدالنزول قابل پذیرش نیست. ثانیاً: قرار گرفتن آیات در پی یکدیگر و پیوستگی ظاهری آنها دلیل بر وحدت سیاق و نزول یکپارچه آیات نیست؛ مثلاً سوره بقره، برحسب ظاهر آیاتش متوالی و به هم پیوسته است، ولی علامه طباطبایی برای آن سیاقات متعددی قایل است^۱.

ثالثاً: همان طور که بیان شد، وحدت صدور یکی از شرایط لازم برای تحقق وحدت سیاق است نه شرط کافی برای آن. بنابراین، اثبات وحدت نزول برای نصوص به معنای اثبات وحدت سیاق آنها نیست، بلکه یک نزول می‌تواند شامل سیاقهای متعدد نیز باشد.

۱- همان، ج ۱، ص ۳۸۸.